مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران
سال بیستم، شماره ۵، ویژه‌نامه زمستان ۱۴۰۴، صفحات ۱۶۸-۱۶۳

خلاصه سیاستی

گذار از یارانه‌های کالری‌محور به یارانه‌های تغذیه‌محور: چارچوبی برای هم‌سوسازی سیاست‌های حمایت غذایی با امنیت تغذیه‌ای، سلامت و توسعه پایدار در ایران

علی میلانی بناب[۱]، ناصر کلانتری[۲]، آرزو حقیقیان رودسری[۲]، جلال‌الدین میرزای رزاز[۲و۳]، سمیرا پورمرادیان[۴]، عزیزاله زرگران[۱]، فاطمه محمدی نصرآبادی[۱]، فاطمه اسفرجانی[۱]، شبنم رضاخانی[۵]، سید حسین داودی[۶]

۱- گروه تحقیقات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی غذا و تغذیه، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران، ایران.

۲- گروه تغذیه جامعه، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران، ایران

۳- مرکز تحقیقات تغذیه و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۴- مرکز تحقیقات تغذیه، گروه تغذیه جامعه، دانشکده تغذیه و علوم غذایی،دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

۵- انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، تهران، ایران

۶- نویسنده مسئول: گروه تغذیه بالینی و رژیم درمانی، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،تهران، ایران
پست الکترونیکی: hdavoodi@sbmu.ac.ir

چکیده

مقدمه: امنیت غذایی و تغذیه‌ای یکی از ارکان اصلی سلامت عمومی، عدالت اجتماعی و توسعهٔ پایدرا محسوب می‌شود. برای تحقق این مهم، برنامه‌ها و سیاست‌های متعددی از جمله تخصیص و اعطای یارانه‌ها در بخش‌های مختلف نظام غذا و تغذیه به اجرا در آمده است. با وجود اجرای طیف گسترده‌ای از یارانه‌های نقدی، مصرفی و تولیدی در ایران، شواهد نشان می‌دهد که کشور همچنان با چالش‌های هم‌زمان ناامنی غذایی، سوءتغذیه پنهان، نابرابری تغذیه‌ای و افزایش شیوع اضافه‌وزن و چاقی مواجه است. افزایش مستمر قیمت مواد غذایی و شکاف میان درآمد خانوارها و هزینه تأمین یک رژیم غذایی مطلوب، ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی غذایی را دوچندان کرده است. با توجه به این کاستی‌ها، این خلاصهٔ سیاستی به دنبال ارائه چارچوبی برای بهینه‌سازی نظام یارانه‌های غذایی و تغذیه‌ای در ایران است.

روش‌ها: این مطالعه با رویکرد آمیخته انجام شد. در مرحله نخست، اسناد سیاستی و تلفیقی مرتبط با حوزه‌های غذا و کشاورزی، تغذیه و سلامت، اقتصاد و حمایت‌های اجتماعی با استفاده از تحلیل محتوای جهت‌دار و چارچوب مثلث سیاست‌گذاری مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله دوم، برای اعتباربخشی یافته‌ها و تدوین توصیه‌های سیاستی، مطالعه دلفی در سه دور با مشارکت ۱۵ نفر از خبرگان حوزه‌های تغذیه، سلامت عمومی، اقتصاد کشاورزی و سیاست‌گذاری غذا انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که یارانه‌های نقدی در کاهش گرسنگی و ناامنی غذایی شدید نقش مؤثری داشته‌اند، اما تأثیر محدودی بر بهبود کیفیت رژیم غذایی و کاهش کمبود ریزمغذی‌ها داشته‌اند. همچنین، یارانه‌های مصرفی عمدتاً بر تأمین کالری متمرکز بوده و کمتر به چگالی تغذیه‌ای مواد غذایی توجه کرده‌اند. یارانه‌های تولیدی نیز اگرچه در افزایش تولید برخی محصولات راهبردی مؤثر بوده‌اند، اما در مواردی به کاهش تنوع زیستی، یکنواختی الگوهای غذایی و تشدید بار دوگانه سوءتغذیه منجر شده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان داد که افزایش قیمت مواد غذایی، اثربخشی سیاست‌های حمایتی را محدود کرده و نبود هماهنگی میان بخش‌های کشاورزی، سلامت، رفاه و اقتصاد از مهم‌ترین موانع تحقق اهداف امنیت تغذیه‌ای در کشور است.

نتیجه‌گیری و پیامدهای سیاستی: گذار از یارانه‌های کالری‌محور به یارانه‌های تغذیه‌محور ضرورتی اساسی برای ارتقای امنیت غذایی و سلامت عمومی در ایران است. استقرار «سبد غذایی مطلوب» به‌عنوان مبنای مشترک سیاست‌گذاری، هدفمندسازی یارانه‌های مصرف و تولید بر اساس ارزش تغذیه‌ای، ارتقای سواد تغذیه‌ای جامعه، بهره‌گیری از ابزارهای مالیاتی برای اصلاح الگوی مصرف و ایجاد نظام یکپارچه حکمرانی غذا و تغذیه می‌تواند اثربخشی سیاست‌های حمایتی را افزایش داده و دستیابی به اهداف توسعه پایدار، عدالت غذایی و سلامت عمومی را تسهیل کند.

واژگان کلیدی: امنیت غذایی، امنیت تغذیه‌ای، یارانه غذایی، سبد غذایی مطلوب، سیاست‌گذاری سلامت، عدالت غذایی، توسعه پایدار، ایران

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.66224/nsft.20.5.30]

مسئله و اهمیت آن

امنیت غذایی و تغذیه‌ای در دهه‌های اخیر از یک مسئله صرفاً مرتبط با تولید و دسترسی به غذا، به یکی از مهم‌ترین موضوعات توسعه پایدار، سلامت عمومی و عدالت اجتماعی تبدیل شده است. اسناد بین‌المللی از جمله اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) بر ضرورت هم‌زمان تأمین دسترسی به غذای کافی، سالم، مغذی و پایدار تأکید دارند (۱, ۲) با این حال، تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، نشان می‌دهد که سیاست‌های متمرکز بر افزایش تولید یا تأمین کالری لزوماً به بهبود وضعیت تغذیه‌ای جامعه منجر نشده‌اند (۳, ۴).

در ایران، سیاست‌های حمایتی مرتبط با غذا و تغذیه طی دهه‌های گذشته عمدتاً در قالب یارانه‌های نقدی، یارانه‌های مصرفی و یارانه‌های تولیدی اجرا شده‌اند. این سیاست‌ها با اهدافی نظیر کاهش فقر، افزایش قدرت خرید خانوارها، تثبیت قیمت مواد غذایی، حمایت از تولید داخلی و ارتقای امنیت غذایی طراحی شده‌اند (۴, ۵). در این میان شواهد ملی نشان می‌دهند که ۲۰ درصد خانوارهای ایرانی کمتر از ۷۰ درصد نیاز خود به انرژی را دریافت می‌کنند و ۳۲ درصد آنان نیز بین ۷۰ تا ۹۰ درصد انرژی مورد نیاز خود را مصرف می‌کنند که در مجموع حدود ۵۲ درصد جمعیت کمتر از مقادیر توصیه شده دریافت انرژی روزانه دارند. بر همین اساس کمبود دریافت پروتئین در خانوارهای ایرانی ۲۵/۸ درصد برآورد شده است که در ۷/۳ درصد خانوارها این کمبود دریافت به کمتر از ۷۰ درصد نیاز روزانه بالغ می‌شود. از این گذشته، از منظر کمبود دریافت ریزمغذی‌های کلیدی، خانوارهای ایرانی در حدود ۵۷/۷ درصد آهن کمتر از نیاز روزانهٔ خود دریافت می‌کنند که ۳۰/۷ درصد جمعیت با دریافت کمتر از ۷۰ درصد آهن مورد نیاز روزانه، در محدوده‌های بحرانی کمبود آهن هستند. این آمارها در مجموع نشان‌دهندهٔ وسعت نسبی سوء تغذیهٔ انرژی–پروتئین و پنهان ناشی از کمبود ریزمغذی‌های کلیدی در جامعه است (۶). در عین حال، شواهد موجود حاکی از شکاف میان درآمد خانوارها و هزینه تأمین یک رژیم غذایی مطلوب به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تحقق امنیت تغذیه‌ای در ایران است. برآوردهای مبتنی بر «سبد غذایی مطلوب برای جامعه ایرانی– سال ۱۴۰۲» نشان می‌دهد که در آذرماه ۱۴۰۳ هزینه تأمین نیازهای غذایی استاندارد برای هر فرد حدود ۱۵۴۰۸۱۰ ریال در روز بوده است. با در نظر گرفتن تورم نقطه‌ای ۷۲/۳ درصدی گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در آذرماه ۱۴۰۴، هزینه روزانه تأمین این سبد برای هر فرد به حدود ۲۶۵۷۰۰۰ ریال افزایش یافته است (۷). (شکل ۱).



شکل ۱: یارانه‌های مؤثر غذایی در نظام غذا و تغذیه ایران

بنابراین، حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت، یک خانوار کارگری با حداقل حقوق و دستمزد، بدون بهره‌مندی از یارانه‌هایی نظیر کالابرگ الکترونیک، برای تأمین سبد غذایی مطلوب باید حدود ۱۵۶ درصد از کل درآمد ماهانه خود را صرف هزینه‌های خوراکی کند؛ رقمی که به‌مراتب فراتر از آستانه‌های شناخته‌شده فقر اقتصادی ـ تغذیه‌ای است. در مقابل، سهم واقعی هزینه خوراک از کل هزینه خانوارهای شهری همچنان حدود ۲۴ تا ۲۵ درصد برآورد می‌شود. این فاصله قابل توجه نشان می‌دهد که بخش بزرگی از خانوارها عملاً قادر به تأمین سبد غذایی مطلوب نیستند و ناچارند با حذف یا کاهش مصرف گروه‌های غذایی با ارزش تغذیه‌ای بالا نظیر گوشت، لبنیات، میوه و سبزیجات، به سمت مصرف غذاهای ارزان‌تر، سیرکننده‌تر و دارای چگالی انرژی بالا حرکت کنند (۳, ۴). از این منظر، شکاف میان هزینه واقعی سبد غذایی مطلوب و درآمد خانوارها نه‌تنها یک مسئله معیشتی، بلکه یکی از مهم‌ترین چالش‌های عدالت غذایی، سلامت عمومی و سیاست‌گذاری رفاهی در ایران محسوب می‌شود و در چنین شرایطی، کمبود ریزمغذی‌ها و سوءتغذیه پنهان در کنار اضافه‌وزن، چاقی و بیماری‌های غیرواگیر افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، افزایش بی‌سابقه قیمت جهانی غذا در سال‌های اخیر موجب شده است دولت‌ها برای حفظ دسترسی اقتصادی خانوارها به غذا، بیش از پیش به ابزارهای حمایتی و یارانه‌ای متکی شوند (۸). برخی از شواهد نشان می‌دهند اگرچه این مداخلات می‌توانند در کوتاه‌مدت از افزایش گرسنگی جلوگیری کنند، اما در صورت طراحی نامناسب، ممکن است پیامدهایی همچون افزایش کسری بودجه، فشارهای تورمی، اختلال در نظام تولید و مصرف و کاهش پایداری مالی دولت را به همراه داشته باشند (۹). بررسی روند سیاست‌گذاری در ایران نشان

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOI: 10.66224/nsft.20.5.30]

می‌دهد که بخش مهمی از مداخلات یارانه‌ای کشور همچنان مبتنی بر رویکرد «تأمین کالری» است. این در حالی است که شواهد علمی بر ضرورت گذار به رویکرد «امنیت تغذیه‌ای» تأکید دارند؛ رویکردی که کیفیت رژیم غذایی، کفایت ریزمغذی‌ها، پیشگیری از بیماری‌های مزمن، پایداری محیط زیست و عدالت اجتماعی را به طور هم‌زمان مدنظر قرار می‌دهد (۴, ۱۰).

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر با رویکرد آمیخته و به منظور تحلیل نظام یارانه‌های غذایی در ایران انجام شد. در گام نخست، ۵۱ سند تلفیقی در حوزه‌های غذا و کشاورزی، تغذیه و سلامت، اقتصاد و بودجه‌ریزی دولتی به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با استفاده از تحلیل محتوای جهت‌دار مورد بررسی قرار گرفتند. برای ساختاردهی به این تحلیل‌ها، از چارچوب مثلث سیاست‌گذاری شامل چهار بعد محتوا، بازیگران، زمینه و فرایند استفاده شد تا ظرفیت‌ها، چالش‌ها و پیامدهای نظام یارانه غذایی به صورت نظام‌مند شناسایی گردند (۱۱). در گام دوم، به منظور اعتباربخشی به یافته‌ها و تدوین توصیه‌های سیاستی، روش دلفی طی (۱۲) با سه گردش و با مشارکت ۱۵ نفر از خبرگان حوزه‌های تغذیه، اقتصاد کشاورزی، سلامت عمومی و سیاست‌گذاری غذا اجرا شد. سطح توافق ۷۰ درصد یا بالاتر به عنوان آستانه اجماع در نظر گرفته شد. نهایتاً یافته‌های حاصل از تحلیل اسنادی با اجماع خبرگان تلفیق گردید و چارچوبی مبتنی بر شواهد برای هم‌سوسازی سیاست‌های یارانه‌ای با اهداف سلامت، امنیت غذایی و توسعه پایدار ارائه شد.

یافته‌ها

۱. یارانه‌های نقدی در کاهش گرسنگی مؤثر اما در ارتقای کیفیت تغذیه ناکارآمد هستند

شواهد نشان می‌دهد پرداخت‌های نقدی و انتقالات درآمدی یکی از مهم‌ترین ابزارهای بازتوزیع درآمد و کاهش ناامنی غذایی شدید در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند (۱۳). در ایران نیز یارانه‌های نقدی توانسته‌اند تا حدودی دسترسی اقشار کم‌درآمد به غذا را حفظ کرده و از گسترش گرسنگی مطلق جلوگیری کنند. با این حال، تأثیر این سیاست‌ها عمدتاً محدود به افزایش قدرت خرید بوده و الزاماً به بهبود کیفیت رژیم غذایی منجر نشده است. در شرایطی که قیمت مواد غذایی مغذی با سرعت بیشتری نسبت به سایر کالاها افزایش می‌یابد، خانوارها تمایل دارند منابع مالی دریافتی را صرف اقلام ارزان‌تر و پرکالری کنند. بنابراین یارانه‌های نقدی به تنهایی قادر به حل مسئله سوءتغذیه و کمبود ریزمغذی‌ها نیستند.

۲. یارانه‌های مصرفی عمدتاً بر تأمین کالری متمرکز بوده‌اند

یافته‌ها نشان می‌دهد بخش عمده برنامه‌های حمایتی غذایی و سبدهای غذایی یارانه‌ای در ایران با هدف تأمین انرژی و کالری طراحی شده‌اند. در بسیاری از موارد، ارزش تغذیه‌ای، تراکم ریزمغذی‌ها و نقش مواد غذایی در پیشگیری از بیماری‌های مزمن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این وضعیت موجب شده است که هرچند بخشی از نیازهای انرژی خانوارهای آسیب‌پذیر تأمین شود، اما نیازهای تغذیه‌ای در سطح سلولی و متابولیک همچنان برآورده نشود. در نتیجه، بهبود نسبی شاخص‌های گرسنگی با افزایش شیوع اضافه‌وزن و چاقی همراه شده است.

۳. یارانه‌های تولیدی موجب تغییر الگوی تولید و مصرف شده‌اند

سیاست‌هایی نظیر خرید تضمینی محصولات کشاورزی، حمایت از نهاده‌های تولید، یارانه انرژی، ارز ترجیحی و معافیت‌های مالیاتی نقش مهمی در توسعه تولید برخی محصولات استراتژیک داشته‌اند. با این حال، تمرکز طولانی‌مدت بر تعداد محدودی محصول کشاورزی موجب کاهش تنوع تولید و کاهش اهمیت بسیاری از محصولات بومی و مغذی شده است. مطالعات جهانی نشان می‌دهد که حمایت‌های اقتصادی متمرکز بر چند محصول خاص، به تدریج تنوع زیستی کشاورزی را کاهش داده و الگوهای غذایی را یکنواخت می‌کند (۱۴). این روند علاوه بر تهدید تنوع زیستی، آسیب‌پذیری نظام غذا را افزایش داده و با گسترش مصرف غذاهای فرآوری‌شده و پرکالری، زمینه را برای افزایش چاقی و بیماری‌های غیرواگیر فراهم کرده است.

٤. افزایش قیمت غذا، اثربخشی سیاست‌های حمایتی را محدود کرده است

افزایش قیمت جهانی و داخلی مواد غذایی طی سال‌های اخیر هزینه اجرای برنامه‌های یارانه‌ای را به شدت افزایش داده است. در نتیجه، دولت‌ها با چالش هم‌زمان حمایت از مصرف‌کنندگان، حفظ ثبات مالی و جلوگیری از کسری بودجه مواجه شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد تداوم حمایت‌های غیرهدفمند غذایی می‌تواند به افزایش بار مالی دولت، تشدید تورم و کاهش کارایی اقتصادی نظام غذا منجر شود.

۵. نبود یکپارچگی سیاستی، مهم‌ترین مانع تحقق اهداف تغذیه‌ای است

تحلیل اسناد سیاستی نشان داد که اگرچه بخش‌های مختلف کشور در حوزه‌های کشاورزی، سلامت، رفاه و تجارت دارای سیاست‌ها و برنامه‌های متعدد هستند، اما هماهنگی و یکپارچگی لازم میان آنها وجود ندارد. این وضعیت موجب شده است که سیاست‌های تولید، تجارت، حمایت اجتماعی و سلامت در مواردی اهداف متعارضی را دنبال کنند. در نتیجه، بسیاری از برنامه‌های یارانه‌ای با وجود موفقیت در افزایش دسترسی به غذا، نتوانسته‌اند به بهبود پایدار وضعیت تغذیه‌ای جامعه منجر شوند.

توصیه‌های سیاستی

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تحقق امنیت غذایی و تغذیه‌ای پایدار در ایران مستلزم گذار از رویکردهای سنتی مبتنی بر تأمین کالری به سمت رویکردهای سلامت‌محور، تغذیه‌محور و عدالت‌محور است. از این رو، اصلاح نظام یارانه‌های غذایی باید در چارچوب حکمرانی یکپارچه غذا و تغذیه و با مشارکت تمامی ذی‌نفعان نظام غذا صورت گیرد.

۱- توصیه‌ها برای دولت و نهادهای سیاست‌گذار کلان: استقرار «سبد غذایی مطلوب» به‌مثابه معیار ملی تخصیص یارانه

نخستین اولویت سیاستی، استقرار «سبد غذایی مطلوب» به‌عنوان چارچوب مرجع و زبان مشترک میان بخش‌های سلامت، کشاورزی، رفاه، اقتصاد و محیط زیست است. در شرایط کنونی، بخش قابل توجهی از سیاست‌های حمایتی بر مبنای تأمین حداقل کالری طراحی می‌شوند، در حالی‌که سبد غذایی مطلوب می‌تواند مبنایی برای تلفیق اهداف امنیت غذایی، سلامت، عدالت اجتماعی و پایداری محیط‌زیست فراهم آورد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود تمامی مداخلات حمایتی، از جمله یارانه‌های نقدی، کالابرگ الکترونیک، حمایت‌های تولیدی و برنامه‌های رفاهی، با شاخص‌های مبتنی بر سبد غذایی مطلوب و نیازهای تغذیه‌ای جمعیت هدف همسو شوند. همچنین ضروری است نظام یارانه‌های غذایی از رویکرد یکنواخت و کالری‌محور فاصله گرفته و به سمت هدف‌گذاری تغذیه‌ای حرکت کند. در این چارچوب، یارانه‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که مصرف مواد غذایی دارای چگالی بالای ریزمغذی، نظیر لبنیات، حبوبات، میوه‌ها، سبزیجات و منابع پروتئینی باکیفیت را تشویق کرده و در مقابل، وابستگی به غذاهای کم‌ارزش تغذیه‌ای را کاهش دهند. در عین حال، با توجه به نقش یارانه‌های نقدی و غذایی در کاهش ناامنی غذایی شدید و ملاحظات اجتماعی و سیاسی مرتبط با آنها، حذف یا تغییرات ناگهانی این حمایت‌ها توصیه نمی‌شود. اصلاحات باید به‌صورت تدریجی، مبتنی بر شواهد و همراه با سازوکارهای جبرانی برای گروه‌های آسیب‌پذیر انجام شود تا از بروز شوک‌های معیشتی و تشدید فقر غذایی جلوگیری گردد.

۲- توصیه‌ها برای وزارت بهداشت و سایر متولیان سلامت

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که دسترسی اقتصادی به غذا، شرط لازم اما ناکافی برای دستیابی به امنیت تغذیه‌ای است. از این رو، وزارت بهداشت و سایر

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.66224/nsft.20.5.30]

نهادهای مسئول سلامت باید ارتقای سواد تغذیه‌ای را به عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست‌های حمایتی در نظر گیرند. ادغام برنامه‌های آموزش تغذیه، مهارت‌های انتخاب غذایی و ترویج سبک زندگی سالم در مدارس، مراکز خدمات جامع سلامت، رسانه‌های جمعی و بسترهای دیجیتال می‌تواند اثربخشی مداخلات یارانه‌ای را به طور قابل توجهی افزایش دهد.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود نظام پایش و ارزیابی برنامه‌های حمایتی از تمرکز صرف بر شاخص‌های اقتصادی و پوشش جمعیتی فاصله گرفته و شاخص‌های پیامدی سلامت، از جمله وضعیت دریافت ریزمغذی‌ها، تنوع غذایی، شیوع اضافه‌وزن و چاقی، بیماری‌های غیرواگیر مرتبط با تغذیه و کیفیت رژیم غذایی را نیز در بر گیرد. چنین رویکردی امکان ارزیابی واقعی اثربخشی سیاست‌ها بر سلامت جمعیت را فراهم خواهد کرد.

۳- توصیه‌ها برای وزارت جهاد کشاورزی و بخش تولید غذا

اصلاح جهت‌گیری یارانه‌های تولیدی یکی از الزامات اساسی برای هم‌سویی سیاست‌های کشاورزی با اهداف سلامت عمومی است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که حمایت‌های بلندمدت از برخی محصولات کم‌چگالی از نظر ارزش تغذیه‌ای، ضمن تأثیر بر ساختار تولید، می‌تواند تنوع غذایی و زیستی را نیز محدود کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حمایتی به تدریج از محصولات با ارزش تغذیه‌ای پایین به سمت محصولات مغذی‌تر و راهبردی از منظر سلامت عمومی هدایت شوند.

همچنین توسعه تولید محصولات غنی از ریزمغذی‌ها، حمایت از غذاهای بومی و سنتی، حفاظت از تنوع زیستی کشاورزی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های غنی‌سازی مواد غذایی باید در اولویت برنامه‌های حمایتی قرار گیرد. این اقدامات می‌تواند ضمن افزایش دسترسی اقتصادی و فیزیکی به غذاهای سالم، به کاهش سوءتغذیه پنهان و ارتقای کیفیت رژیم غذایی جامعه کمک کند.

٤- توصیه‌ها برای نظام مالیاتی و نهادهای اقتصادی

شواهد علمی معتبر نشان می‌دهند اعمال مالیات بر نوشیدنی‌های قندی و غذاهای فرآوری‌شده پرچرب–پرنمک می‌تواند به اصلاح معنادار الگوی مصرف کمک کند.(۱۰) سازمان بهداشت جهانی این ابزار مالیاتی را به‌عنوان یکی از مؤثرترین مداخلات سیاستی برای کاهش بار بیماری‌های غیرواگیر توصیه کرده است. در این چارچوب، درآمد حاصل از این مالیات‌ها باید به‌صورت هدفمند برای یارانه‌گذاری به اقلام با چگالی بالای ریزمغذی و تأمین دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به غذاهای سالم تخصیص یابد — سازوکاری که در ادبیات سیاست‌گذاری به *بازتوزیع سبز* (Green Redistribution) موسوم است.

۵- توصیه‌ها برای دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نهادهای علمی

پیچیدگی روزافزون چالش‌های امنیت غذایی و تغذیه‌ای ایجاب می‌کند که پژوهش‌ها از رویکردهای تک‌رشته‌ای فاصله گرفته و به سمت مطالعات میان‌رشته‌ای و نظام‌مند حرکت کنند. تعامل میان علوم تغذیه، کشاورزی، اقتصاد، سلامت عمومی، علوم اجتماعی، محیط زیست و سیاست‌گذاری می‌تواند درک جامع‌تری از پیامدهای سیاست‌های غذایی و یارانه‌ای فراهم سازد.

علاوه بر این، ایجاد سامانه ملی پایش و ارزیابی سیاست‌های غذا و تغذیه، با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، ضروری است. چنین سامانه‌ای باید بتواند آثار اقتصادی، تغذیه‌ای، سلامت‌محور، اجتماعی و زیست‌محیطی مداخلات حمایتی را به صورت مستمر رصد کرده و شواهد لازم برای بازنگری و اصلاح بهنگام سیاست‌ها را در اختیار تصمیم‌گیران قرار دهد.



شکل ۲: رویکردهای اصلاحی به نظام یارانه‌های غذایی در ایران

جمع‌بندی سیاستی

در مجموع، اصلاح نظام یارانه‌های غذایی در ایران نیازمند تغییر پارادایم از «حمایت مبتنی بر تأمین کالری» به «حمایت مبتنی بر تأمین تغذیه مطلوب» است. تحقق این هدف مستلزم استقرار حکمرانی یکپارچه غذا و تغذیه، هم‌سویی سیاست‌های تولید، مصرف، سلامت و رفاه اجتماعی، و استفاده از سبد غذایی مطلوب به عنوان چارچوب مرجع سیاست‌گذاری است. تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که یارانه‌های غذایی علاوه بر کاهش گرسنگی و فقر، به بهبود کیفیت رژیم غذایی، کاهش نابرابری‌های تغذیه‌ای، پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر و دستیابی به اهداف توسعه پایدار منجر شوند

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.66224/nsft.20.5.30]

References

۱. Committee HJS. HLPE. Food Security And Nutrition Building A Global Narrative Towards 2030. 2020.
۲. Organization WH. The state of food security and nutrition in the world 2022: Repurposing food and agricultural policies to make healthy diets more affordable: Food & Agriculture Org.; 2022.
۳. Ghassemi H, Harrison G, Mohammad K. An accelerated nutrition transition in Iran. Public health nutrition. 2002;5(1a):149-55.
۴. Milani-Bonab A, Kalantari N, Takian A, Haghighian-Roudsari A. Food and agriculture, nutrition and health related policy integration in Iran's national development agenda and their alignment with the sustainable development goals. Environment, Development and Sustainability. 2023;25(4):3353-78.
۵. Saeediankia A, Majdzadeh R, Haghighian-Roudsari A, Pouraram H. The effects of subsidies on foods in Iran: A narrative review. Frontiers in sustainable food systems. 2023;6:1053851.
۶. گزارش نهایی بررسی الگوی مصرف مواد غذایی و وضعیت تغذیه‌ای خانوار و فرد در کشور | ۹۸-۱۳۹۷، انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور، تهران، ایران (۱۴۰۳).
۷. Mohammadi-Nasrabadi F, Khoshfetrat M, Esfarjani F, Ghodsi D, Ajami M, Sobhani R, et al. Optimal and Thrifty Sustainable Food Baskets of Iran-2023. Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology. 2024.۱۶-۱:(۱)۱۹;
۸. Unicef. The state of food security and nutrition in the world 2025: addressing high food price inflation for food security and nutrition: Food & Agriculture Org.; 2025.
۹. Ginn W, Pourroy M. The contribution of food subsidy policy to monetary policy in India. Economic Modelling. 2022;113:105904.
۱۰. Mozaffarian D, Angell SY, Lang T, Rivera JA. Role of government policy in nutrition—barriers to and opportunities for healthier eating. Bmj. 2018;361.
۱۱. Walt G, Gilson L. Reforming the health sector in developing countries: the central role of policy analysis. Health policy and planning. 1994;9(4):353-70.
۱۲. Hasson F, Keeney S, McKenna H. Research guidelines for the Delphi survey technique. Journal of advanced nursing. 2000;32(4):1008-15.
۱۳. Durao S, Visser ME, Ramokolo V, Oliveira JM, Schmidt B-M, Balakrishna Y, et al. Community-level interventions for improving access to food in low-and middle-income countries. Cochrane Database of Systematic Reviews. 2020.(۸)
۱۴. Vergez A, Siikamäki, J ,.Mittempergher, D., & Piaggio, M. Agricultural support, biodiversity, and trade: Examining connections to repurpose harmful incentives: IUCN, Gland, Switzerland; 2025.

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.66224/nsft.20.5.30]

Policy Brief:

From Calorie-Centered to Nutrition-Centered Subsidies: A Framework for Aligning Food Support Policies with Nutrition Security, Public Health, and Sustainable Development in Iran

Milani-Bonab A[1], Kalantari N[2], Haghighian-Roudsari A[2], Mirzay Razaz J[2,3], Pourmoradian S[4], Zargaraan A[1], Mohammadi-Nasrabadi F[1], Esfarjani F[1], Rezakhani S[5], Davoudi SH[6]

1- Food and Nutrition Policy and Planning Research Department, National Nutrition and Food Technology Research Institute and Faculty of Nutrition Sciences and Food Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

2- Department of Community Nutrition, Faculty of Nutrition Sciences and Food Technology, National Nutrition and Food Technology Research Institute, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

3- Nutrition and health research center, Shahid beheshti University of medical Sciences, Tehran, Iran

4- Nutrition Research Center, Department of Community Nutrition, Faculty of Nutrition and Food Sciences, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

5- National Nutrition and Food Technology Research Institute, Tehran, Iran

*6- *Corresponding author: Department of Clinical Nutrition & Dietetics, Faculty of Nutrition Sciences and Food Technology, National Nutrition and Food Technology Research Institute, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: hdavoodi@sbmu.ac.ir*

Abstract

Background: Food and nutrition security constitutes a fundamental pillar of public health, social justice, and sustainable development. To achieve this goal, a range of programs and policies — including subsidies across multiple components of the food and nutrition system — have been implemented. Despite the widespread deployment of cash transfers, consumption subsidies, and production subsidies in Iran, evidence indicates that the country continues to face the simultaneous challenges of food insecurity, hidden malnutrition, nutritional inequality, and a rising prevalence of overweight and obesity. The persistent increase in food prices, combined with the widening gap between household incomes and the cost of an adequate diet, has made the revision of food support policies all the more urgent. In light of these shortcomings, this policy brief seeks to provide a framework for optimizing Iran's food and nutrition subsidy system.

Methods: This study employed a mixed-methods design. In the first phase, policy and integrative documents related to food and agriculture, nutrition and health, and economic and social protection were examined using directed content analysis and the Policy Triangle Framework. In the second phase, to validate the findings and formulate policy recommendations, a three-round Delphi study was conducted with fifteen experts drawn from the fields of nutrition, public health, agricultural economics, and food policy.

Findings: Results indicated that cash subsidies have played an effective role in reducing hunger and severe food insecurity but have had limited impact on improving dietary quality and addressing micronutrient deficiencies. Consumption subsidies were found to be predominantly focused on calorie provision, with insufficient attention to the nutrient density of food items. Production subsidies, while effective in boosting output of certain strategic commodities, have contributed in several instances to the erosion of agricultural biodiversity, the homogenization of dietary patterns, and the exacerbation of the double burden of malnutrition. Findings further revealed that escalating food prices have constrained the effectiveness of support policies, and that the absence of coordination among the agriculture, health, welfare, and economic sectors represents one of the principal barriers to achieving nutrition security objectives in Iran.

Conclusions and Policy Implications: A transition from calorie-centered to nutrition-centered subsidies is an imperative for advancing food security and public health in Iran. Anchoring policy in an Optimal Food Basket as a shared cross-sectoral benchmark; targeting consumption and production subsidies according to nutritional value; strengthening community nutrition literacy; leveraging fiscal instruments to reshape consumption patterns; and establishing an integrated food and nutrition governance system are all measures that can enhance the effectiveness of support policies and facilitate the achievement of the Sustainable Development Goals, food justice, and public health objectives.

Keywords: Food security, nutrition security, Food subsidies, Optimal food basket, Health policy, Food justice, Sustainable development, Iran

[Downloaded from nsft.sbmu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOI: 10.66224/nsft.20.5.30]